
۳۶۵ روز با قرآن

حسین محی‌الدین الهی قمشه‌ای



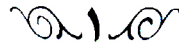
انتشارات سخن، تهران

فهرست مطالب

نُه	یادداشت ناشر
بیست و پنج	پیشگفتار
بیست و پنج	کاروان احمد
سی و دو	داستان احد
چهل	احد و احمد
چهل و پنج	احمد و برخی بزرگان فرهنگ اسلامی
هفتاد و هشت	احمد و برخی بزرگان غرب
هشتاد و شش	سخنی دوستانه با برخی روشنفکران
هشتاد و هشت	پایان گفتار
نود و یک	سپاس و قدردانی
نود و سه	پاره‌ای توضیحات
۱	فاتحه: ۱-۷
۱۰	بقره: ۱-۵
۱۴	بقره: ۱۷-۲۰
۱۷	بقره: ۲۳-۲۴
۲۱	بقره: ۲۶
۲۴	بقره: ۳۰-۳۳
۲۹	بقره: ۳۵-۳۷
۳۴	بقره: ۶۲
۳۷	بقره: ۶۷
۳۹	بقره: ۷۴
۴۱	بقره: ۸۳
۴۴	بقره: ۱۰۶

۲۸۱	نماز ریایی صدا و صفری بیش نیست	۱۰۶	انفال: ۳۵	۲۰۱	در نهی از شراب و قمار و شرطبندی	مائده: ۹۱-۹۰	۷۵
۲۸۲	اعلامیه صلح	۱۰۷	انفال: ۶۱	۲۰۵	در نابرابری پاکی و ناپاکی	مائده: ۱۰۰	۷۶
۲۸۴	در بیان حقیقت معنی اسلام	۱۰۸	توبه: ۱۹	۲۰۸	دعای حضرت عیسی برای نزول مائده آسمانی	مائده: ۱۱۴	۷۷
۲۸۶	خیرات و صدقات برای چه کسانی است؟	۱۰۹	توبه: ۶۰	۲۱۰	خداوند کلمه رحمت را بر صفحه وجود خود نگاشته	انعام: ۱۲	۷۸
۲۸۹	خنده کوتاه و گریه بسیار برای کافران	۱۱۰	توبه: ۸۲	۲۱۲	در بیان نوعی از عذاب استدراج	انعام: ۴۴	۷۹
۲۹۱	صدقات پاکی آور و صلوات آرامش بخش است	۱۱۱	توبه: ۱۰۳	۲۱۵	امتیاز نبی به دریافت وحی است نه دانستن غیب	انعام: ۵۰	۸۰
۲۹۲	بنیان محکم اهل تقوی و بنیاد سست ستمکاران	۱۱۲	توبه: ۱۰۹	۲۱۷	علم الهی بر غیب و شهود عالم احاطه دارد	انعام: ۵۹	۸۱
۲۹۴	سنگینی رنج و محنت مردمان بر پیامبر مهربان	۱۱۳	توبه: ۱۲۹-۱۲۸	۲۲۰	در بیان اطوار مرگ که بازگشت به سوی خداست	انعام: ۶۲-۶۰	۸۲
۲۹۷	تمثیل در بیان بی اعتباری نعمتهای دنیوی	۱۱۴	یونس: ۲۴	۲۲۴	در اعراض از شنیدن طعن و طنز منکران بر آیات الهی	انعام: ۶۸	۸۳
۲۹۹	گمان جای علم را نمی گیرد	۱۱۵	یونس: ۳۶	۲۲۶	دعوت حضرت ابراهیم به توحید از طریق جدل احسن	انعام: ۷۹-۷۵	۸۴
۳۰۱	قرآن کتاب موعظه، شفا، هدایت و رحمت است	۱۱۶	یونس: ۵۷	۲۳۰	در بیان آنکه چشمها خدا را در نمی یابند	انعام: ۱۰۳	۸۵
۳۰۴	اصل آزادی انتخاب در دین	۱۱۷	یونس: ۹۹	۲۳۳	در بیان آنکه کلام وحی گنج بصیرت است	انعام: ۱۰۴	۸۶
۳۰۶	پایان طوفان نوح	۱۱۸	هود: ۴۴	۲۳۵	در نهی از ناسزاگفتن مؤمنان منکران را	انعام: ۱۰۸	۸۷
۳۰۹	موی پیشانی هر جنبنده ای به دست خداست	۱۱۹	هود: ۵۶	۲۳۶	سر آنکه هر پیامبری را دشمنانی است	انعام: ۱۱۲	۸۸
۳۱۱	دعوت شعیب مردمان را به عدل و انصاف	۱۲۰	هود: ۸۶-۸۵	۲۳۸	در تمثیل حال مؤمنان و کافران به نور و ظلمت	انعام: ۱۲۲	۸۹
۳۱۳	فرمان استقامت در اجرای رسالت	۱۲۱	هود: ۱۱۲	۲۳۹	در بیان آنکه گشادگی و تنگی دلها به دست خداست	انعام: ۱۲۵	۹۰
۳۱۶	داستان یوسف بهترین حکایتهاست	۱۲۲	یوسف: ۳	۲۴۱	در بیان پاره ای از اوصاف صراط مستقیم	انعام: ۱۵۳-۱۵۲	۹۱
۳۲۱	خواب یوسف و تعبیر آن	۱۲۳	یوسف: ۶-۴	۲۴۴	پاداش خوبی ده برابر و پاداش بدی به قدر همان بدی است	انعام: ۱۶۰	۹۲
۳۲۵	دروغ برادران یوسف	۱۲۴	یوسف: ۱۷-۱۶	۲۴۶	در معرفی دین حنیف ابراهیم	انعام: ۱۶۳-۱۶۱	۹۳
۳۲۸	فروختن برادران یوسف، یوسف را به بهای ناچیز	۱۲۵	یوسف: ۲۰-۱۹	۲۴۹	بارگناه هر کس بر دوش خود اوست	انعام: ۱۶۴	۹۴
۳۳۰	برهان پروردگار و گریختن یوسف از زلیخا	۱۲۶	یوسف: ۲۴	۲۵۱	در مجادله شیطان با خدا	اعراف: ۱۸-۱۲	۹۵
۳۳۴	بریدن زنان مصر دستها را از شگفتی جمال یوسف	۱۲۷	یوسف: ۳۱	۲۵۵	تکبر و سرکشی راهی به بهشت ندارد	اعراف: ۴۰	۹۶
۳۳۶	درس توحید دادن یوسف در زندان	۱۲۸	یوسف: ۴۰-۳۹	۲۵۷	در بیان مشابهت رستاخیز قیامت با رستاخیز طبیعت	اعراف: ۵۷	۹۷
۳۳۹	فرستادن یعقوب فرزندان را در جستجوی یوسف	۱۲۹	یوسف: ۸۷	۲۵۹	ایمان و تقوی درهای برکت را می گشایند	اعراف: ۹۹-۹۶	۹۸
۳۴۱	در بخشیدن یوسف برادران را	۱۳۰	یوسف: ۹۲-۹۱	۲۶۱	در بیان تمنای حضرت موسی به مشاهده خداوند	اعراف: ۱۴۳	۹۹
۳۴۳	شکر و سپاس یوسف از الطاف الهی	۱۳۱	یوسف: ۱۰۱	۲۶۵	در بیان اصول دعوت نجات بخش رسول اکرم	اعراف: ۱۵۷	۱۰۰
۳۴۵	در بیان بصیرت رسول و پیروانش	۱۳۲	یوسف: ۱۰۸	۲۶۸	عهد الست، عهد بندگی و پروردگاری بین انسان و خدا	اعراف: ۱۷۲	۱۰۱
۳۴۷	فرا رسیدن یاری خداوند در مرز نومیدي	۱۳۳	یوسف: ۱۱۰	۲۷۳	در اوصاف اهل جهنم	اعراف: ۱۷۹	۱۰۲
۳۴۹	در تسبیح رعد و فرشتگان از هیبت الهی	۱۳۴	رعد: ۱۳-۱۲	۲۷۵	موعظه های فصیح و موجز	اعراف: ۱۹۹	۱۰۳
۳۵۲	تمثیل در بیان آنکه دعای کافران در گمراهی است	۱۳۵	رعد: ۱۴	۲۷۷	ضرورت یاد پروردگار هر صبح و شام	اعراف: ۲۰۵	۱۰۴
۳۵۳	تمثیل در بیان نسبت حق با باطل	۱۳۶	رعد: ۱۷	۲۷۹	دعوت رسول دعوتی از مرگ به زندگی است	انفال: ۲۴	۱۰۵

۳۲۰	قیامت: ۴۰-۳۶	در بیان دلایل قدرت خداوند در زنده کردن مردگان	۸۳۴
۳۲۱	انسان (دهر): ۳	در بیان اختیار آدمی میان هدایت و گمراهی	۸۳۷
۳۲۲	انسان (دهر): ۲۱-۵	در صفات نیکان و نعمت ایشان در بهشت	۸۳۸
۳۲۳	نبأ: ۳-۱	پرسش از مهم ترین خبر عالم	۸۴۴
۳۲۴	نبأ: ۴۰	خبر بزرگ قیامت	۸۴۶
۳۲۵	نازعات: ۵-۱	در سوگند به پنج دسته از فرشتگان	۸۴۸
۳۲۶	نازعات: ۲۶-۱۵	روایت دیگری از داستان موسی و فرعون	۸۵۰
۳۲۷	نازعات: ۴۱-۳۷	در صفت اصحاب جهنم و اصحاب بهشت	۸۵۴
۳۲۸	نازعات: ۴۶	زندگی دنیا: شبی است یا روزی	۸۵۷
۳۲۹	عَبَسَ: ۱۰-۱	عتاب خداوند با پیامبر	۸۵۹
۳۳۰	عَبَسَ: ۳۲-۲۴	ضرورت نگاه کردن آدمی به طعام خود	۸۶۱
۳۳۱	تکویر: ۲۹-۱۵	در کیفیت نزول وحی توسط روح الامین	۸۶۳
۳۳۲	انفطار: ۸-۶	در غرور و غفلت انسان	۸۶۷
۳۳۳	مَطَفِنِ: ۵-۱	در مذمت کم فروشی و خیانت در ترازو	۸۶۸
۳۳۴	مَطَفِنِ: ۲۶-۲۲	اوصاف ابرار و صفت شرابی که شایسته رقابت است	۸۷۰
۳۳۵	انشقاق: ۶	سیر پرمحنت آدمی در فرقت خداوند تا رسیدن به دیدار	۸۷۲
۳۳۶	اعلیٰ: ۵-۱	معرفی خداوند در صفت خلق و هدایت	۸۷۴
۳۳۷	غاشیه: ۲۲-۲۱	وظیفه رسول تذکر است نه تحکم و تسلط	۸۷۶
۳۳۸	فجر: ۳۰-۲۷	در بیان مراتب متعالی نفس	۸۷۸
۳۳۹	بلد: ۱۰-۷	آفریدگار چشم، خود دارای بصیرت است	۸۸۰
۳۴۰	بلد: ۱۸-۱۱	عقبه تکلیف و اوصاف اصحاب یمین	۸۸۱
۳۴۱	شمس: ۱۰-۷	در اوصاف نفس	۸۸۳
۳۴۲	شمس: ۱۵-۱۱	داستان صالح پیغمبر	۸۸۵
۳۴۳	لیل: ۱۰-۵	ایمان به خوبی و زیبایی	۸۸۸
۳۴۴	ضحیٰ: ۱۱-۱	خداوند با تو و داغ نکرده است	۸۹۰
۳۴۵	شرح (انشراح): ۸-۱	با هر سختی آسانی هست	۸۹۳
۳۴۶	تین: ۵-۱	انسان در فراز و فرود	۸۹۷
۳۴۷	علق: ۵-۱	بخوان به نام پروردگار	۹۰۰
۳۴۸	علق: ۱۴	در زیر نگاه خداوند	۹۰۲
۳۴۹	قدر: ۵-۱	شب قدر، بهتر از هزار ماه	۹۰۳
۳۵۰	زلزله: ۸-۷	اصل پاداش و جزا	۹۰۵
۳۵۱	عادیات ۶-۱	ناسپاسی انسان	۹۰۶
۳۵۲	قارعه: ۱۱-۶	در معیارها و موازین سبک و سنگین	۹۰۸
۳۵۳	تکاثر: ۸-۱	غرور و غفلت حتی در گورستان	۹۱۰
۳۵۴	عصر: ۳-۱	در بیان زیانکار بودن همه آدمیان مگر اهل ایمان	۹۱۳
۳۵۵	همزه: ۹-۱	در نکوهش عیب جوین و بدگویان و آزمندان و زراندوزان	
۹۱۶		و عاقبت ایشان	
۹۱۸	فیل: ۵-۱	قصه اصحاب فیل	
۹۲۰	معاون: ۳-۱	نشانه‌های عملی منکران قیامت	
۹۲۱	معاون: ۷-۴	در صفت نمازگزاران ریایی	
۹۲۳	کوثر: ۳-۱	عطای کثیر خداوند به رسول اکرم و جمله آدمیان	
۹۲۵	کافرون: ۶-۱	دین شما از شما و دین من از من	
۹۲۷	نصر: ۳-۱	مردم فوج فوج به دین خدا درمی آیند	
۹۲۹	مسد: ۵-۱	در بیان سرانجام ابولهب و همسر او	
۹۳۳	اخلاص (توحید): ۴-۱	در توحید خاص و نفی هرگونه فرزند یا زایش از خداوند	
۹۳۵	فلق: ۵-۱	در پناه گرفتن به شکافنده صبح	
۹۳۷	ناس: ۶-۱	در پناه گرفتن به پروردگار، پادشاه و اله عالم	
۹۳۹		واژه نامه	
۹۴۷		فهرست موضوعی	



آیات ۷-۱ سوره فاتحه

1. In the name of Allah, Most Gracious, Most Merciful.
2. Praise be to Allah
The Cherisher and Sustainer of the Worlds:
3. Most Gracious, Most Merciful;
4. Master of the Day of Judgment.
5. Thee do we worship,
And Thine aid we seek.
6. Show us the straight way,
7. The way of those on whom
Thou has bestowed Thy Grace,
Those whose (portion)
Is not wrath.
And who go not astray.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿١﴾
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٢﴾
 الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٣﴾
 مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ﴿٤﴾
 إِلَهِكَ نَعْبُدُ وَإِلَيْكَ نَسْتَعِينُ ﴿٥﴾
 اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿٦﴾
 صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ
 الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿٧﴾

به نام خداوند بخشنده مهربان ﴿١﴾ حمد و سپاس تنها خدای راست که پروردگار جهان هاست ﴿٢﴾ خدایی که بخشنده و مهربان است ﴿٣﴾ پادشاه روز جزاست ﴿٤﴾ ما تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوییم ﴿٥﴾ ما را به راه راست هدایت فرما ﴿٦﴾ راه آنان که بر ایشان انعام فرمودی نه راه آنان که بر ایشان خشم کردی و نه راه آنان که به ضلالت درافتادند ﴿٧﴾

ای نام تو بهترین سرآغاز بی نام تو نامه کی کنم باز

ای یاد تو مونس روانم جز نام تو نیست بر زبانم نظامی

□ هر بامداد آن پادشاه عالم و آن رب اعلائی کائنات دروازه های شکوهمند قصرش را بر آدمیان می گشاید تا همراه با فرشتگان در سرود ستایش زیبایی هم آواز شوند و آنگاه، روی در روی، با آن شاهد یگانه سخن گویند که: معشوق و معبود ما تویی.

آخر قصد من تویی، غایت جهد و آرزو

تا نرسم، ز دامن دست امید نگسلم سعدی

□ این سوره را فاتحة الكتاب خوانده‌اند از آنکه گویی دروازه ورود به ساحت کتاب الهی است و نیز آن را سوره سبع المثانی خوانده‌اند از آنکه هفت آیه است و بنا بر حدیثی این سوره دو بار بر آن حضرت نازل شده است.

□ این سوره بین بنده و پروردگار تقسیم شده، بدین معنی که بخشی از آن از زبان پروردگار است و گویی خود اوست که خطاب به بندگان می‌فرماید «حمد و ستایش هرچه هست به پروردگار عالمیان تعلق دارد که بسیار بخشنده و مهربان است و پادشاه روز جزاست» و بخش دیگر از زبان بندگان است که گویی در حضور آفریدگار و پرورنده خویش ایستاده‌اند و مستقیماً با او خطاب می‌کنند که: معبود و معشوق ما تنها تویی و ما از هیچ کس جز تو در زندگی یاری نمی‌جویم و دعای ما این است که ما را در هر کار به صراط مستقیم که تو خود بر آن قرار داری هدایت کن و بر این راه بدار، و این راه مستقیم راه کسانی است که تو به آنها نعمت و برکت عطا کردی زیرا هیچ نعمتی در جهان برتر از هدایت به راه مستقیم و سوق دادن به سوی کمال نیست و آثار این نعمت بر چهره دارندگان آن آشکار است از خرمی و نضارت و خلق خوش و نگاه مهربان، که فرمود: «تَعْرِفُ فِي وَجْهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ» (مطفّفين: ۲۴)

یوسف کنعانیم روی چو ماهم گواست هیچ کس از آفتاب خط و گواهی نخواست
ای گل و گلزارها کیست گواه شما بوی که در مغزهاست رنگ که در چشمهاست
دیوان شمس

و ادامه دعا این است که ما را در شمار کسانی قرار مده که بر آنها خشم گرفتی و نه کسانی که به گمراهی درافتادند. خشم بر آن است که دانسته به راه خطا می‌رود و گمراهی محصول جهل و بی‌خبری است.

□ در این سوره یک صنعت ادبی هست (علاوه بر صنایع دیگر) به نام «التفات»، و آن این است که گوینده ناگهان از غایب به حاضر تغییر بیان دهد و از سوم‌شخص به دوم‌شخص یا اول‌شخص بازگردد و در قرآن از این صنعت بسیار یافت می‌شود که چون اغلب بی‌خبر و بدون مقدمه است مایه لذت و ابتهاج و اعجاب و اعتبار است.

چه هیجان و ابتهاجی بیش از این که خداوند به صورت غایب از خود سخن می‌گوید که هر حمد و ستایشی از آن اوست و اوست که پروردگار عالم و پادشاه روز جزاست و ناگاه در میانه سخن انسان وارد صحنه می‌شود و مستقیم با پروردگار خطاب می‌کند که ما تنها تو را می‌پرستیم.

□ از نمونه‌های شیرین صنعت التفات دو بیت زیر از سعدی است که مرتب حرکت از اول‌شخص به دوم‌شخص و سوم‌شخص در آن دیده می‌شود و مضمون سخن همان ایاک نعبد و ایاک نستعین است:

گر دنیی و آخرت بیارند کاین هر دو بگیر و دوست بگذار
ما یوسف خود نمی‌فروشیم تو سیم سپید خود نگه دار

□ مضمون آیات این سوره در ادبیات فارسی به زبان‌های گوناگون و گاه با آوردن عین عبارت قرآنی آمده است:

عیشم مدام است از لعل دلخواه
کارم به کام است «الحمد لله» حافظ

□ مولانا در حکایتی از حضرت موسی در تفسیر ایاک نعبد و ایاک نستعین می‌فرماید:

گفت موسی را به وحی دل خدا کای گزیده، دوست می‌دارم تو را
گفت «چه خصلت بود ای ذوالکرم موجب آن تا من آن افزون کنم»
گفت «چون طفلی به پیش والده وقت قهرش دست هم در وی زده
خود نداند که جز او دیار هست هم از او مخمور و هم از اوست مست
مادرش گر سیلی بر وی زند هم به مادر آید و بر وی تند
از کسی یاری نخواهد غیر او اوست جمله شرّ او و خیر او
خاطر تو هم ز ما در خیر و شرّ التفاتش نیست با جای دگر
غیر من پیشت چو سنگ است و کلوخ گر صبیّ و گر جوان و گر شیوخ»
همچنانک ایاک نعبد در حنین از ببالا، از غیر تو لا نستعین
هست این ایاک نعبد حصر را در لغت آن از پی نفی ریا